

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۱ جون ۲۰۱۳

فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان! ۲۲

داکتر غفور ثنا «غف» به بهانه پاسخ به حملات (سازمان انقلابی) زنجیر پاره کرد و باز هم غف زد و پاچه گرفت !!



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیسیم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

"آدم از بی بصری، بندگی آدم کرد

گوهری داشت ولی نذر قیاد وجم کرد

یعنی از خوی غلامی زسگان خوار تر است

من ندیدم که سگی، پیش سگی سر، خم کرد

«علامه اقبال لاهوری»

داکتر «غف»!

فرد بی بصیرتی همچو تو و از سنخ تو همیشه به خاطر بقاء و شهرت تن به هر نوع ذلت، خواری و بندگی می دهد و چه سرافگندی و شرمندگی بیشتر از این باشد که انسان سر بر آستان یک (قوم شرم) هرزه، دامن بالا و فاسدی همچو «صادق ظفر» بگذارد!!!

در جنگ آزادیبخش مقاومت ملی و میهنی دو سازمان عمده مقاومت یعنی (ساما و رهائی) دارای جبهات رزمی بودند. دیگر سازمانهای چپ انقلابی مقاومت ملی در نخستین روز های جنگ مقاومت ملی توسط دشمن ضربه خوردند و از هم پاشیدند. (ساما)ی قهرمان در جنگ مقاومت ملی جانانه و شجاعانه رزمید و در سنگر داغ نبرد به ضد و طنفروشان خلقی و پرچمی و باداران روسی شان حماسه ها آفرید. نیرو های جنایتکار ارتجاعی سیاه همچو «حزب اسلامی» گلبدین و «جمعیت اسلامی» ربانی/مسعود ، تاب و توان دیدن چنین نیروی انقلابی را نداشتند، متفقانه و متحدانه بر سنگر های (ساما) و در تبنای عریان با روسها و نوکران بومی شان یورش بردند و بر پیکر این دژ مغرور انقلاب ضربات مرگ آفرین زدند. داکتر «غف» باید تصریح و مشخص بسازد و تشریح کند که در کجا مورد حملات جنایتکارانه نیرو های اسلامی قرار گرفته است و تحت درفش کدام نیروی سیاسی/نظامی فعالیت های چرپکی و یا جبهه ئی داشته است؟

«غفور ثنا» روشن نساخته است که در آن مدت چهار سال با روسها رو به رو هم رزمیده است و یاخیر؟ داکتر «غف» مجهول صحبت می کند و از دادن ارجاع و مرجع عامدانه خود داری نموده و اباً می ورزد و هیچ گاهی به تفصیل و جزئیات نمی پردازد و خواننده را در مخصصه نگهداشته و نمی گذارد تا از جریانات اصلی آگاهی حاصل نماید؛ که این به ذات خود ثبوت می کند که مارموسک دروغ می گوید و ریگی در کفش دارد!

«غف» جف می زند که از کشور در ۱۳۵۸ خورشیدی فرار کرده است و با رندی تمام اضافه می کند که بعد از چند هفته به جبهه جنگ رفته و چهار سال نیز جنگیده است.

او که در دروغپردازی ببرک و نجیب را پشت سرانداخته است، وقتی بخواهد، با تکیه بر دروغ از کاه کوه می سازد، مگر زمانی که منافع حقیرش ایجاب نکند، دهن باز می کند تا چیزی نگفته باشد و می خواهد با گنگه بازی خیانت خود را بپوشاند، به همین دلیل است که این انسان فحاش که در فحاشی و ناموس فروشی دست اجدادش را از پشت بسته است، به عوض روشنی انداختن بر گذشته ننگین و نکبتبارش، می خواهد فقط برای خود تبلیغ نماید، در غیر آن او باید می گفت که در کدام ماه سال ۵۸ و به کدام کشور فرار کرده بود تا دم خمینی را می شد دید، او باید می نوشت که چند هفته بعد در کدام جبهه رفته است، آیا آن جبهه مستقل بوده و یا تحت پوشش کدام حزب اسلامی مثلاً شیخ آصف محسنی، اگر مستقل بوده به کدام نام یاد می شده، شبکه جاسوسی روس زیر نام «سازمان پیکار» که تا آن وقت به وجود نیامده بود.

از تمام اینها گذشته، وقتی او از «جنایتکار و قاتل» بودن باند های خلق و پرچم یاد می کند و بدان وسیله می خواهد خود را مبارز نشان دهد، برای آنانی که قسمت های نانوشته یک مطلب را می خوانند، آیا این «غف» غزن، به همان مرده ای شباهت نمی یابد که گ .. بالای تخته می رود. آخر مگر خلقی - پرچمیها تنها جنایتکار و قاتل بودند و یا وطن فروش و خاین به کشور نیز بوده و هستند، آیا می شود افتادن کلمه وطن فروش و خاین از صفات آن باند ها را ناشی از عدم فهم و یا بی مبالاتی این خر فیلسوف دانست، و یا این همان دم خروسی است که از زیر قبای سایر وطنفروشها نیز بیرون شده است؟؟ مگر ببرک مزدور، امین را جلاد و جنایتکار ننماید، مگر نجیب ببرک را قاتل و ببرکی ها نجیب را قاتل معرفی نداشتند؟ وقتی قضیه همین طور بوده داکتر «غف» با تمام تلاشش چه چیزی را می خواهد بپوشاند، تشابه در قضاوت با خلق و پرچم و یا کدام چیز دیگری؟؟

اگر تا دیروز مشخص نبود، فکر نمی کنم اینک برای کسی پنهان مانده باشد که سروکار با داکتر «غف»، «صادق» و به اصطلاح عمدتاً مائیسست ها، چیزی به غیر از پنجه دادن با روسها و روسپرست ها، یعنی رویزیونیست های مرتد خروسجفی که کارشان از رویزیونیزم به جاسوسی کشیده است، نمی باشد.

داکتر «غف» خودش مدعی شد که بعد از ۱۳۵۸ خورشیدی از کشور فرار کرده است، لاف و پتاق توأم با جعلکاری و دروغبافی این دلک مداری را بخوانید و بعداً قضاوت نمائید:

" من هیچگاهی سنگرمبارزه انقلابی ومبارزه طبقاتی وملی را رها نکرده ام واین مبارزه را تا حد توان به پیش برده ام وخواهم برد. لزومی به توضیح ندارد این موضوع به همه بخشهای جنبش چپ وجنبش انقلابی پرولتری کشور، نیروهای مترقی وآزادبخواه وتوده های خلق کشور هویداست."؟؟؟هههههه من که به حیث یکی از مربوطات آن جنبش از این همه جانبازی خبری نداشتم. داکتر «غف» دروغ دروغگوی بسوزد، «تو که راست میگی دروغگوی را چه حواله؛ پایه برق، درخت و یا برج ایفل؟؟

خود دغلباز بی ناموس و دروغگوی پس تظطرت ادعا نمود که در ۱۳۵۸ خورشیدی از کشور فرار کرد و اما درینجا حرفش را نفی کرده ادعا می دارد که هیچگاهی سنگرمبارزه انقلابی ومبارزه طبقاتی وملی را رها نکرده است و این مبارزه را تا حد توان به پیش برده خواهد برد؛ البته از زیر لحاف!!! هههههه عجب لولوی بیمار روانی و روانپزش مدهوش و دیوانه ... کچه!!!

درینجا «غف» بدون تعقل، دلیل و برهان و فهم خودش را به خر گری می زند و یگ گاز کاربن گونه به هوا رها می سازد:

" لزومی به توضیح ندارد این موضوع به همه بخشهای جنبش چپ وجنبش انقلابی پرولتری کشور، نیروهای مترقی وآزادبخواه وتوده های خلق کشور هویداست."؟؟؟همه با هم یک خنده هههههه او غفورک بی مسلک و (پاپی گگ) رند بچه جاغوری، «انجنیر» صادق ظفر چقر، تو لافوک را در جنبش انقلابی که ها می شناسد یکی دو سه تا نام ببر؟

بلی در «جنبش پرولتری» این بری اقبانوسها به شمول «صادق ظفر»، سلطان علی «کشتمند»، اسماعیل «کشتمند» و به تعداد انگشتان دست چند تا هزاره ایست چنگیزبست می شناسد و بس و اما!نیروهای مترقی وآزادبخواه وتوده های خلق کشور هرگز اسم «پولاد» آبتن شده و «داکتر» غفور «ثنا»ی خرچنگ و پوک را نشنیده اند!! او لوده ... بیمار چرا اینقدر لاف و پف می زنی و چرند به خورد خواننده میدهی؟! دیگر سیلی کاری و مشت زدن انقلابی را می گذارم به (سازمان انقلابی).

ادامه دارد...

میرویس ودان محمودی

نوت!

«سازمان کارگران م.ل.م.» با فرار تان از دست من قرارو آرام نخواهید داشت. اگر از خود انتقاد نکنید و معذرت نخواهید اسمای سه نفر تان را افشاء خواهم کرد.